

نقش و کارایی نمادها در حوزه نظم و امنیت

رحمان باقری

مربی جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

bagherirahman26@yahoo.com

چکیده

امروزه در جامعه‌ای که از آن با نام‌های عصر اطلاعات، عصر ارتباطات و غیره یاد می‌کنند، ضرورت اهتمام به نمادها و نشانه‌های مجرد معنادار بیش از گذشته احساس می‌شود. پژوهش حاضر با هدف مطالعه نقش و کارکرد نمادها در حوزه نظم و امنیت، با استفاده از رویکرد مطالعات اسنادی، به جمع‌آوری داده‌های متعدد و تحلیل آنها پرداخته است. احساس امنیت در هر جامعه را می‌توان به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم به‌عنوان بازخوردی از وضعیت عملکرد پلیس در جامعه دانست. بنابراین ارزیابی تغییرات مکانیزم‌ها و ابزارهای پیاده‌سازی امنیت در طی زمان، بیش از هر چیز موجب آگاهی مجریان نظم در جامعه از ابعاد می‌شود که نیاز به توجه بیشتری دارند. نتایج نشان می‌دهد که امروزه ایجاد نظم و امنیت تنها از طریق حضور فیزیکی و سخت‌افزاری میسر نمی‌شود. این روش‌ها همان‌قدر که در ایجاد امنیت نقش دارند، در القاء روانی ناامنی نیز موثر هستند. لذا استفاده از نمادها در امر نظم و امنیت می‌تواند راهگشا باشد. زیرا علاوه بر صرفه‌جویی در هزینه‌های اقتصادی، بدون توسل به شیوه‌های کنترلی تند و شدید می‌توان نظم و امنیت را در سطح جامعه به‌نحو بهتر و سریع‌تر برقرار کرد. اگر چه نمادها نیز اعمال قدرت می‌کنند، اما قدرت آن‌ها ملایم، نرم و قانع‌کننده است. می‌توان گفت که در شرایط امروزین با استفاده از نمادها نیاز به کنترل بیرونی و فیزیکی کمتر می‌شود. نمادها، بهترین و موجه‌ترین ابزارهای اعمال قدرت و کنترل بر خیابان، کوچه و محیط‌های جمعی هستند. نمادها بطور کلی واجد کارکردهای آموزشی، کنترلی - انتظامی، اجتماعی کردن، اقتصادی، توسعه‌ای و وحدت‌بخشی هستند.

واژه‌های کلیدی: امنیت، نماد، نظم، امنیت اجتماعی، رنگ، شکل‌های هندسی.

The role and performance of symbols in the field of security and order

Rahman, Bagheri

Department of sociology, Payame Noor University, Tehran, Iran
Bagherirahman26@yahoo.com

Abstract

Nowadays society that it names the information age, the age of communication and etc, are mentioned, the need for a significant effort to abstract symbols is greater than ever before . The present study aimed to investigate the role and function of symbols in the field of security and order, using documentary research approach, to collect various data and analyzing them . Feel safe in any society can be directly or indirectly as a reflection of the performance of the police in society .Thus ,evaluation mechanisms and tools to implement security changes over time, more than anything awakened the enforcement order in society is of dimensions that need more attention .The results show that today the establishment of order and security can not be achieved only through physical presence, and hardware .These methods as in security are involved, they are also effective in inducing psychological insecurity .The use of symbols in the order and security could be helpful .Because in addition to the economic cost savings, without resorting to impetuous control practices can i order and security within the community to establish better and faster .Although symbol of power, but their power is gentle, soft and compelling .Today we can say that in terms of using less physical symbol and external control .Fantastic, the best and most plausible means of exerting power and control over the streets, alleys and mass media .Symbols are generally eligible educational functions, control - the police, socialization, economic, development and unity are a part.

Key words: security, symbol, order, social security ,color, geometric shapes.

مقدمه

زندگی انسان‌ها آمیخته با نمادهاست و در همه‌ی حوزه‌های زندگی اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره نمادها جایگاه مهمی دارند. در واقع بسیاری از دستاوردهای علمی بشر حاصل توسعه نمادها بوده است. موقعیت بی‌نظیر انسان‌ها در به-کارگیری نمادها و قرار داشتن رفتار نمادین در زمره‌ی مشخص‌ترین ویژگی‌های فرهنگ انسانی موجب گردیده که ارنست کاسیرر به انسان لقب «حیوان نمادی» بدهد (گیرو، 1380).

اگر بخواهیم یک سیر تاریخی جوامع را به سه دسته‌ی سنتی، جوامع مدرن و جوامع پست‌مدرن تقسیم‌بندی کنیم می‌توانیم بگوئیم در جوامع سنتی بیشتر رفتارها و روابط انسان‌ها در ارتباط با طبیعت است و انسان بیشتر با محیط طبیعی‌اش ارتباط دارد. ابزارها، فعالیت‌ها و نمادهای جامعه محدود و طبیعی‌اند و بیشتر جنبه‌ی سخت‌افزاری دارند. به جوامع مدرن که می‌رسیم انسان‌ها بیشتر در ارتباط با نوعی از اشیاء مصنوع و ساخته‌ی خود یعنی ماشین و به تعبیری کلی‌تر تکنولوژی ارتباط دارند. ماشین نسبت به صنایع و ابزارهای جامعه سنتی شکلی نمادین‌تر دارد. به این معنی که برای ایجاد ماشین و این نوع تکنولوژی نیازمند حدی از دانش است. دانش و علم نشان‌گر نمادین‌شدن و نرم‌افزاری شدن زندگی انسان‌ها هستند. در این جامعه جوانب سخت‌افزاری زندگی با جوانب نرم‌افزاری معین دانش ارتباط تنگاتنگی پیدا می‌کند. از جامعه‌ی امروز به نام‌های مختلفی مانند جامعه‌ی مغزبنیاد (تافلر، 1376) و جامعه‌ی اطلاعات‌محور فراصنعتی (بل، 1372؛ شاف، 1375) یاد می‌شود. که همگی نشان-گر ویژگی‌های نمادین و نرم‌افزاری زندگی جدید هستند. در این نوع جامعه، هر چه بر سطوح دانش افزوده می‌شود، سطح و شکل روابط انسان‌ها نیز به گونه‌ای نمادین‌تر می‌شود. در این جامعه عناصر یا مظاهر نمادین زندگی بسیار بیشتر از گذشته هستند. به این خاطر که اولاً در این جامعه درجه‌ی پیچیدگی بسیار بالاست و ثانیاً ارتباط با جوانب دانش نمادین در زندگی خیلی زیادتر شده است. در واقع غلبه بر جوانب نرم‌افزاری زندگی است. بسیاری از کارهایی را که در گذشته توسط ابزارها یا تکنولوژی‌های بزرگ انجام می‌گرفتند، امروزه توسط تکنولوژی‌های خردورز یا هوشمند انجام می‌گیرند که کار با این نوع تکنولوژی‌ها نیازمند دانش و مهارت نمادین است. هر روزه نمادهای مختلفی شکل می‌گیرند. این نمادها بسیار متنوع و گوناگون‌اند، اما آن‌ها منجر به یک حس مشترک یا نوعی یگانگی می‌شوند. به این معنا که همگان نسبت به آن‌ها آگاهی خاصی پیدا می‌کنند. چون این جامعه پیچیده است و از طرفی جامعه‌ای است که در آن نهادها و ساختارها از هم تفکیک شده‌اند، هر فضا و هر نهادی، نماد خاص خودش را دارد. یعنی به میزانی که نهادها تخصصی‌تر می‌شوند، نقش نمادها نیز در این حوزه‌ها بیشتر می‌شود. اگر بخواهیم از منظر موضوع این تحقیق، نامی دیگر برای جامعه‌ی جدید به کار گیریم، بهترین عنوان جامعه‌ی نمادین است و آن جامعه‌ای است که به تعبیر جرج زیمل (جرج زیمل، 1375) هر روز صور آن یا رفتارهای ظاهری آن افزایش پیدا می‌کنند پس ما می‌توانیم صورت‌های کنش را در یک معنای کلی نماد بنامیم.

نمادها در اثر جریان‌های مختلف تاریخی، سیاسی و فرهنگی دچار تحول و دگرگونی می‌شوند. البته لازم به ذکر است که همه‌ی نمادها دستخوش تحول نمی‌شوند برای مثال وجود مسجد به عنوان نماد اسلام از هنگام ظهور اسلام معنای خود را تاکنون حفظ کرده و در آینده نیز همین بار معنایی را خواهد داشت (گارودی، بی‌تاریخ). با این حال دسته‌ای از نمادها هم در طول تاریخ و در اثر حوادث مختلف متحول می‌گردند و آن معنایی را که بر آن‌ها اطلاق می‌شد، ممکن است تحت شرایطی تغییر کند و حتی به عکس آن معنا مبدل گردد. بنابراین باید گفت زمینه‌ها عامل مهمی در مطالعه انواع گونه‌ها و تغییرات نمادها در هر جامعه است.

بیان مساله

در هر فرهنگ، مجموعه‌ای از نمادها و نشانه‌های مدلل وجود دارند که ضامن پیوند و پیوستگی میان افراد یک ملت هستند. این نمادها، میان ذهنیتی مشترک را برای افراد جامعه فراهم می‌سازند. در گذشته، نمادها، جدای از کنش افراد یا واسط میان آن‌ها نبودند. از زمانی که موضوع خط و هنرهای مکتوب انسان‌ها آغاز شد، نمادها به تدریج از جسم‌ها و افراد جدا شدند و هویت مستقل یافتند. نمادها از این زمان به سوی حرکت می‌کنند که نقش واسط را در کنش‌های افراد ایفا می‌کنند. به گونه‌ای

که امروز برای رشد و پیشرفت جوامع و ارتباطات بین فرهنگی، گریزی جز تمرکز بر فهم نمادها وجود ندارد. با تقویت فرهنگ کتابت، بشر عنصر موثر ثالثی را در کنش‌های خود به نام خط و تصویر تجربه می‌کند. در سطوح کلان این عنصر سوم جای خود را در زندگی انسان‌ها باز می‌کند و در واقع نقش جانشینی انسان را بازی می‌کنند؛ یعنی به تدریج به جای کارکردهای انسانی می‌نشینند.

با گذشت سال‌ها از ورود نمادهای مصور در زندگی بشر، هر روزه روند تاثیرگذاری و ضرورت نیاز به این عنصر بیشتر شده و خواهد شد. در جامعه اطلاعات محور و ارتباطی امروزی، ضرورت اهتمام به نمادها و علائم فرهنگی معنادار، بیش از گذشته احساس می‌شود. دلایل این ضرورت را باید در کارکردها و آثاری جستجو کرد که برای نمادها وجود دارد. نمادها در جامعه مدرن واجد کارکردهای زیادی هستند.

جامعه ایران، در طول قرن بیستم، همواره در تکاپوی رشد و تغییرات اجتماعی بوده است. به سبب ورود عناصر فرهنگی جدید در کشور، و توقع رشد سریع و شتابان، اشکالی از نابسامانی اجتماعی در کشور شکل گرفته است که نظم اجتماعی دیرین را به چالش کشیده است. در این دوره نسبتاً طولانی، عنصری که همواره از دامنه وفاق و اجماع جمعی گریخته است، موضوع نظم اجتماعی بوده است. موضوعات قانون‌گریزی، تضادهای سنت-مدرن، آسیب‌های شهری و اجتماعی، گسترش رفتارهای پرخطر و ... را می‌توان در زیرمجموعه این بحث تشریح کرد. تاکید و تمرکز بر نظم اجتماعی پیشین و ورود بی‌مقدمه و اضطراری سامان جدید نسبتاً غربی، تضادهایی آفریده است که مدیریت آن‌ها بسیار دشوار و بسا ناشدنی است. در حال حاضر هر روزه بر گسترش زندگی سمبلیک و مجازی ما افزوده می‌شود، اما تاکید بر دستاوردها و مواهب معنوی و اخلاقی نظم سنتی را نیز از دست نمی‌دهیم. بدیهی است در این شرایط، با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌شویم که گذر از آن‌ها با هزینه‌های زیاد همراه است.

موضوع چالش نظم اجتماعی را اگر در سطوح خردتر تحلیل کنیم، به بحث انتظام مدنی و امنیت فردی و جمعی می‌رسیم که موضوع نیز با همان دشواری و مساله موجود را با خود روبرو است. آمارها و نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که در حوزه رعایت قوانین انتظامی در سطح شهرها و غیر آن، کاستی‌هایی وجود دارد که قابل اغماض نیستند. برای رفع این کاستی‌ها نیز تلاش‌هایی علمی و اجرایی نیز صورت گرفته است. فعالیت‌های پژوهشی و ترویجی مختلف از جمله تلاش‌های علمی در این زمینه بوده‌اند. در حوزه‌های اجرایی نیز تحولاتی در سازمان‌دهی بخش‌ها و فعالیت‌ها صورت گرفته است که در این امر دستاوردهای نیز وجود داشته است. حال باید دید در این زمینه خلاءها کدامند و در راستای رفع آن‌ها قدم برداشت. پرسشی در این زمینه، این است که آیا بهره‌برداری بیشتر از نمادشناسی انتظامی، چه کمک‌هایی به پوشش خلاءهای موجود می‌کند. آیا برنامه‌ریزی استفاده از نمادهای امنیتی را نمی‌توان به‌عنوان عنصری مکمل در رفع بی‌نظمی‌ها و تخلفات مدنی و افزایش کنترل اجتماعی به حساب آورد؟ قطعاً نیروی انتظامی می‌تواند به کمک نمادها، دایره نظم و امنیت اجتماعی را گسترش دهد.

به سبب اهمیت و کارکرد نمادها در آموزش نظم اجتماعی، ضرورت دارد که در راستای افزایش کنترل‌های اجتماعی غیررسمی، مطالعاتی برای شناسایی نمادهای انتظامی موجود و نیز شکل دادن به نمادهای جدیدی که دارای بعد مثبت و سازنده هستند، صورت گیرد. با چنین کاری، می‌توان امید داشت که سرعت و شتاب فرهنگ نظم و امنیت، فزونی یافته و فرایند آن به‌نحو متعادل‌تری طی شود. این تحقیق با چنین دغدغه‌ای، امیدوار است که گامی روشن در حوزه نمادشناسی انتظامی و امنیتی برداشته و بستری برای مطالعات بیشتر در حوزه نمادسازی امنیتی باشد.

اهداف تحقیق

هدف کلی تحقیق حاضر مطالعه و ارزیابی نقش و کارکردهای نمادها در حوزه نظم و امنیت کشور است. پیرو این هدف کلان، اهداف جزئی زیر دنبال می‌شوند:

1- ارزیابی مصادیق اجتماعی کارائی و اثربخشی نمادپردازی انتظامی شامل:

- افزایش کنترل اجتماعی نرم،
- مشارکت پذیری جمعی در امنیت (بازتولید و تقویت مکانیزم کنترل اجتماعی غیررسمی)،
- بازآفرینی و گسترش تعامل اجتماعی پلیس با مردم،
- جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن انتظامی،
- وحدت‌آفرینی و ایجاد میان‌ذهنیت مشترک در مورد امنیت مدنی و ملی،
- 2-ارزیابی اقتصاد نمادپردازی انتظامی (بررسی صرفه‌های اقتصادی جایگزینی نمادها با برخی از نیروهای انتظام‌بخش مدنی و شهری)؛
- 3-ارزیابی معناشناختی و زیبایی‌شناختی برخی علائم و نمادهای موجود در حوزه امنیت اجتماعی در ایران؛
- 4-ارزیابی ظرفیت‌ها و فرصت‌های نمادپردازی در حوزه نظم و امنیت اجتماعی در کشور.

مبانی نظری

در بررسی و مطالعه پیشینه‌ی تحقیق ابتدا به تعاریف موجود درباره‌ی نمادها و مفاهیم مرتبط اشاره می‌شود، سپس نمادها با دو رویکرد جامعه‌شناختی و روان‌شناختی بررسی می‌گردند. در ادامه به بررسی تعاریف موجود درباره‌ی مفهوم امنیت و مفاهیم مرتبط با آن پرداخته خواهد شد.

مفهوم‌شناسی نمادها

تعاریف متعددی تاکنون از نماد ارائه شده است، برای تعریف آن ابتدا باید گفت از منظر کدام نظریه‌پرداز می‌توان نماد را تعریف کرد. نماد عنصر معرف و موید عنصر دیگر است. برخی همانند لوی اشتروس نماد را معادل با نشانه گرفته‌اند. پیرس¹ معروف به پدر علم نمادشناسی مدرن معتقد بود که هر چیز که با قرار گرفتن در جای چیز دیگری یک قرارداد یا توافق را به وجود آورد نماد محسوب می‌شود. او معتقد بود که اشیاء در درون خود به یکدیگر تبدیل می‌شوند و نمادها نیز به‌عنوان رسانه‌ای عمومی بین تفکر مردم و جهان عمل می‌کنند. از طرف دیگر، برخی چیزها که به‌عنوان نماد تعیین می‌شوند، ممکن است به‌عنوان یک وسیله و ابزار ساده کاربرد داشته باشند.

این مفهوم از مفاهیم بسیار مهم در جامعه‌شناسی ارتباطات به حساب می‌آید. در کتب علوم اجتماعی نماد از دو منظر بررسی شده است:

1. در معنای محدود، جلوه‌ای است عینی که واقعیت مجردی را مجسم می‌دارد. به‌عبارت دیگر، نماد نشان یا علامتی است که برای تجسم واقعیتی غیرمادی به کار می‌رود.

2. در معنای کلی نماد، نشانی قراردادی، نسبی و تابع شرایط طبیعی ویژه است (گاردنر و همکاران 1377؛ یونگ 1356؛ گیرو 1380).

عناصر تشکیل‌دهنده هر نماد عبارتند از :

دال: که جانشین چیز دیگری است.

مدلول: در واقع دیگری است که دال جای آن را می‌گیرد.

دلالت: رابط بین دال و مدلول است و توسط دیگران درک و تفسیر می‌شود.

کلمه symbol در زبان یونانی به معنی «نشانه» یا «علامت» به کار می‌رود. یا چیزی که نماینده‌ی چیز دیگر است. واژه پارسی «نماد» به معنای نماینده، سمبل (فرهنگ معین) و نمود، نما و نماینده است. (فرهنگ عمید) این واژه همچنین نمود، نماینده و ظاهرکننده معنا شده است. (لغت‌نامه دهخدا).

¹ - S.Pieres.

یان رابرتسون جامعه‌شناس می‌نویسد «نماد عبارت است از هر چیزی که بتوان با آن به‌طور معنی‌دار چیز دیگری را معرفی کرد» (رابرتسون، 1371: 80). کارل گوستار یونگ موسس مکتب روان‌شناسی تحلیلی نیز می‌گوید واژه یا تصویر، زمانی «نماد» است که متضمن چیزی در ماورای معنای آشکار و مستقیم خود باشد (هوهنه‌گر، 1366: 8).

نمادها را در یک دسته‌بندی کلی می‌توان به دو دسته طبیعی و قراردادی تقسیم کرد. نمادهای طبیعی با مدلول خود رابطه طبیعی دارند (مانند دود که نشانه آتش است)؛ دوم، نمادهای قراردادی مانند علائم راهنمایی و رانندگی که اساساً محصول اجماع و قرارداد جمعی افراد هستند.

در این پژوهش مفهومی کلی از نماد مد نظر است. بر این اساس نماد، رویداد یا موضوعی است برای بیان معنی‌هایی مانند ایده‌ها، باورها، ارزش‌ها و یا بیان جنبه‌های عاطفی یا شناختی تجربه‌ای فردی یا گروهی که قابلیت آن‌را دارند که به شکل تصویر، نشانه و علامت در بیابند، بر این اساس امور اجتماعی سیاسی، انتظامی، امنیتی نیز دارای مشخصه‌های نمادین خواهند بود. در حالت‌های مختلف نمادها به‌صورت پدیده‌هایی در قالب واژه، رنگ، احساس، آوا و غیره جلوه‌گر می‌شوند و آکنده از معنا هستند.

دیدگاه جامعه‌شناختی نماد و نمادگرایی

در مطالعات اساسی هنجارها، کنش اجتماعی از مهم‌ترین موضوع‌ها و نقش‌های اجتماعی است. هر مشاهده‌گر می‌تواند وجود الگوها و نقش‌ها را از طریق مشاهده‌ی افراد، اشخاص و گروه‌ها دریابد. الگوها و نقش‌ها که به مدد استقراء آشکار می‌شوند به نوبه‌ی خود می‌توانند به‌مناب‌ی بیان نماد تلقی شوند. این لایه‌ی ژرف‌تر را که با مرحله‌ی انتزاع کردن مطابقت می‌کند، در نهایت دنیای «ارزش‌ها» می‌نامند. ارزش‌ها در کنش و زندگی اجتماعی کارکردهایی دارند که عمده‌ترین آن‌ها عبارتند از: 1) انسجام الگوهای اجتماعی، 2) وحدت روانی اشخاص و 3) یگانگی اجتماعی. پس میان الگوها، ارزش‌ها و کارکردهای اجتماعی روابط تنگاتنگی وجود دارد. به‌عبارت دیگر انسان‌ها بر اساس ارزش‌ها، الگوهای اجتماعی را انتخاب می‌کنند (Klucirhohn & Strodtbeck; 1961).

در دیدگاه کنش متقابل، ارتباط نمادین (سمبولیک) اساس تمامی اعمال اجتماعی و پایه‌ی روش‌شناختی برای درک آن می‌باشد. افراد در موقعیت‌هایی که قرار می‌گیرند و در فرایند سازگاری کنش‌های خود از آن تعبیری نمادین می‌کنند. ارتباطات در حین انجام کنش‌ها برقرار می‌شود و باید متکی بر یک دیدگاه واقعی در قبال رویدادهای اجتماعی باشد. ارتباطات به اشخاص کمک می‌کند که موقعیت خود را بهتر درک نمایند (توسلی، 1383: 285).

طبق این نظریه، ارتباط نمادی¹ عبارت خواهد بود از مکانیزم ایفای نقش² یا نقش‌پردازی خود در قبال دیگری و انعکاس این ارتباط در ذهن فرد، بنابراین مفهوم ارتباط نمادی و نتایج جمعی آن منجر به هماهنگی‌ای خواهد شد که جریان تطابق متقابل³ یا سازگاری جمعی را فراهم می‌سازد (همان).

نمادها در کنش‌های اجتماعی دو کارکرد اساسی دارند: 1) کارکرد ارتباط، و 2) کارکرد مشارکت. نخستین کارکرد نماد، انتقال پیام دو یا چند فرد در جامعه است. دومین کارکرد نماد احساس تعلق به جمع و گروه است. در واقع این دو کارکرد دو روی سکه‌ی کنش‌های اجتماعی‌اند. نمادها در جامعه تسهیل‌کننده و یاری‌گر روابط و کنش‌های اجتماعی هستند. این نمادها، الگوها و ارزش‌های اجتماعی را به یکدیگر پیوند داده و مشارکت و همانندسازی اشخاص و گروه‌های اجتماعی را به‌صورت مستمر به‌وجود می‌آورند و جهان آرمانی ارزش‌ها از طریق نماد به واقعیت تبدیل می‌شود.

¹ . Symbolic ommunication .

² . Role Taking.

³ . mutual Adjustment.

دیدگاه روان‌شناختی نماد و نمادگرایی

زیگموند فروید یکی از نظریه‌پردازان سمبولیسم در قلمرو تفکر انسان‌گرایانه، معتقد بود سمبول‌ها، اساس و مبنای حیات ناخودآگاه انسان را تشکیل می‌دهند و در هنر، ادبیات، روایاها و بازی‌ها به خودنمایی می‌پردازند. یونگ ضمن انتقاد از فروید در محدود کردن وجدان ناخودآگاه به تجارب سرکوب‌شده‌ی گذشته، این فرضیه را گسترده‌تر بررسی می‌کند. بدین معنا که علاوه بر وجدان ناخودآگاه انسان، عوامل متعدد بسیاری قبل از هر وجدان آگاه و نیز مشترک در مجموعه‌ی اشیاء وجود دارد و آن وجدان ناخودآگاه جمعی است. اندیشه‌ی نمادین دقیقاً خودآگاهی است زیرا نسبتی با صور ازلی¹ دارد. در هر زیرمجموعه‌ی نمادگرایی فردی (متغیر و سطحی)، جنبه‌ای از نمادگرایی جمعی وجود دارد که آن را «زبان فراموش‌شده‌ی روح انسان» می‌نامند (یونگ، 1994).

در روان‌شناسی، نمادگرایی مبنا و اساس هر والایش و تصعید به‌ویژه هنر محسوب می‌شود و به یاری نمادها تمامی روابط انسانی و دنیای خارج به‌وجود می‌آید. در غالب دیدگاه‌های روان‌شناختی، سه شرط برای فرایند نمادگرایی لازم دانسته می‌شود:

1. توانایی ساختاری که یک نقش، روابطی بین چند موضوع را بنیان نهد و مهیا سازد؛
2. رابطه‌ی قیاسی و انتخابی که نوعی هم‌جواری بین نماد و نمادشده (شیئی یا عمل) به‌وجود می‌آورد؛
3. تنش بین یک میل و رغبت و یک مانع اجابت، که برای حل آن فرد نیازمند راه‌حل‌های وهمی و خیالی باشد.

تفاوت‌های اساسی سبک‌های هنری را در ترسیم و نقاشی‌های (نمادین) کودکان در حال رشد می‌توان دید. این تحول از زمانی که کودک شروع به خط‌خطی کردن‌های (به‌ظاهر) بدون تفکر می‌کند تا کشیدن نقاشی با قلم می‌توان مشاهده کرد. به‌طور مثال دایره نمادی از هویت وجودی خود است و یا هنگامی که مربعی دایره‌ای را محاط می‌کند، تصویر ذهنی بسیط، نمادی از احساس خود در ارتباط با دیگران است و اولین تصویر ذهنی از یکپارچگی است (سیمون، 1997).

امنیت، انواع و برخی مولفه‌های آن

امنیت در لغت به معنای ایمن شدن، در امان بودن، بی‌بیمی است (معین، 1371؛ جلد اول: 354). امنیت، اساسی‌ترین نیاز انسان‌ها در زندگی است. ناامنی چالشی بزرگ برای انسان‌ها و جوامع بشری در طول تاریخ بوده است. انسان‌ها و جوامع بشری، راه‌های گوناگونی را برای امنیت آزموده‌اند.

براساس طبقه‌بندی هرمی مازلو² از نیازها و انگیزه‌های انسان، نیاز به امنیت بلافاصله پس از نیازهای فیزیولوژیک در دومین رده قرار دارد. از نظر مازلو، نیاز به امنیت از جمله نیازهایی است که سهم عمده‌ای در رشد و سلامت افراد ایفا می‌کند. این نیاز در سراسر حیات آدمی نقش اساسی دارد و بر رفتارهایش تاثیر می‌گذارد. به هر حال، از دیدگاه مازلو نیاز به امنیت یعنی نیاز به داشتن محیطی امن و باثبات و شرایطی که خالی از تهدید و خطر باشد. هر زمان که جامعه با هرج و مرج، آشفتگی، ظلم و بی-قانونی روبه‌رو شود، مسئله نیاز به امنیت به‌صورت یک نیاز اصلی و برجسته درمی‌آید که برای رفع آن باید حرکت‌های اصلاحی را در سطح جامعه گسترش داد.

اگر بخواهیم نقش امنیت را در زندگی انسان‌ها بررسی کنیم می‌توان آن‌را به دو بخش امنیت بیرونی و درونی دسته‌بندی نمود:

1- امنیت بیرونی: یعنی امنیت که از بیرون بر فرد تحمیل می‌شود و نظم ظاهری و بیرونی نام دارد. در این نوع امنیت، با دیکته کردن یک‌سری مقررات و قوانین انضباطی، امنیتی ظاهری در جامعه ایجاد می‌شود. چنین امنیتی ممکن است در کوتاه-مدت مفید باشد، اما در درازمدت، اثری تخریبی برای جامعه در بر خواهد داشت، زیرا چنین امنیتی محیط مناسبی برای رشد انسان‌ها نمی‌باشد و به جای این که امنیت ایجاد کند، امنیت روانی افراد را به خطر می‌اندازد و به جای اینکه ترس حال و آینده

¹. Archetype.

². Maslow.

را از بین ببرد، خود به وجود آورنده‌ی ترس در محیط جامعه است. امنیت بیرونی، شکننده و آسیب‌پذیر است و از سویی دیگر دولت ملزم به صرف هزینه‌های سنگین در برقراری امنیت می‌شود.

2- امنیت درونی: نوع دوم امنیت؛ امنیتی است که از درون فرد سرچشمه می‌گیرد. به عبارت دیگر، امنیت در این معنا ایجاد شریطی است که همه افراد در آن احساس امنیت کنند. چنین امنیتی مطلوب جامعه است و نیازهای روحی افراد را نیز ارضاء می‌کند و به جای اینکه ترس و اضطراب ایجاد کند، آن‌ها را از میان بر می‌دارد و در نهایت چنین امنیتی موجب کمال فرد و توسعه‌ی جامعه می‌گردد (موسوی، 1387: 20).

اغلب رفتارهای نابهنجار در جامعه نتیجه‌ی فشارهایی است که بر افراد جامعه وارد می‌آید. به اعتقاد رابرت مرتن: فشار معینی از طریق ساختارهای جامعه بر برخی افراد جامعه اعمال می‌شود تا آن‌ها را به رفتار نابهنجار وا دارد (کوزر، 1373: 193). فرد در امنیت درونی به دلیل فقدان اجبار و اعمال قدرت از بالا، از موهبت اعتماد اجتماعی و نوعی همدلی برخوردار است و بدین طریق زمینه‌ی مشارکت اجتماعی در ایجاد امنیت فراهم می‌آید.

امنیت نرم

امنیت نرم، اصطلاحی است که در مطالعات امنیتی متاخر در ایران، غالباً به مثابه مفهومی وابسته به و یا مشتق از قدرت نرم¹ مورد بررسی قرار می‌گیرد. قدرت نرم اصطلاحی است که جوزف نای² برای نخستین بار آن را در سال 1990 و در کتاب «جهش برای رهبری»³ به کار برد و مقصود وی از این مفهوم، توانایی کسب «مطلوب» از طریق جاذبه نه اجبار یا تطمیع بود (نای، 1387: 24).

می‌توان گفت امنیت نرم، اشاره به امنیتی است که از جوامع و دولت‌ها در برابر صدمات و خطرات به‌گونه‌ای ملایم⁴ (آرام) و ناملموس⁵ (بدون جلب توجه) حراست می‌کند. این واژه، همچنین برای برخی از اقدامات و سازوکارهای امنیتی، همچون دزدگیرهای آرام⁶ به کار می‌رود؛ اما غالباً اشاره‌ای است به سیستم‌های امنیت اجتماعی⁷ یا تامین اجتماعی⁸. از سوی دیگر، تمایز امنیت نرم و امنیت سخت در ابزارها نهفته است. ابزار تحقق امنیت نرم، شیوه‌های ناملموس، مسالمت-آمیز و کلام‌محور است، اما امنیت سخت از طریق اعمال خشونت و اجبار مستقیم و ملموس یا ساختاری برقرای می‌شود. امنیت نرم به دنبال اسقرار امنیت فارغ از روابط اجباری و زور می‌باشد. برجسب امنیتی زدن به هر موضوع و استفاده بیش از حد از توجیهات امنیتی، باعث سوق دادن حکومت به سمت دوری از رویه‌ای مندرج در قانون اساسی و عمل به روش‌های خودکامه می‌شود (بوزان، 1387: 140). بر این اساس، امنیت نرم در پی برقراری امنیت بدون امنیتی کردن موضوع است و از این رو، می‌توان به جای اصطلاح «امنیت نرم»، در سطح امنیت داخلی، از مفهوم «نظم اجتماعی» سخن گفت.

پیشینه تحقیق

در مورد نماد و نقش آن در زندگی اجتماعی، ادبیات قابل توجهی وجود دارد که ذکر آن‌ها نیازمند زمان و دقت علمی بیشتر و رعایت روش‌شناسی علمی دقیق‌تر است. نکته مهم در این جا طرح موضوع در زمینه انتظام و امنیت اجتماعی است. در

¹. Soft Power.

². ر.ک: حسین پوراحمدی (1387)، «قدرت و امنیت نرم در نظام جهانی؛ با تاکید بر نقش و جایگاه بسیج» در قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

³. Joseph S. Nye.

⁴. Boundh to Lead.

⁵. quiet.

⁶. unobstrusive.

⁷. silent burglar alarms.

⁸. Social Security System.

⁹. "Soft Security", available: <http://en.wikipedia.org/wiki/Soft-Security>.

ایران با نام نمادسازی انتظامی، پژوهش مشخص در دسترس نیست. به عبارت دیگر، قلت منابع و آثاری که به طور مستقیم با موضوع مرتبط باشند از محدودیت‌های اصلی این تحقیق می‌باشد.

مطالعات موجود نقش نمادها و نمادپردازی را در ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما همه‌ی آن‌ها بیانگر این واقعیت است که امروزه پژوهشگران بیش از پیش به نقش نمادها و نمادپردازی و اهمیت آن در زندگی پی برده‌اند. پژوهشگران به اهمیت نقش هنر و بازی در ایجاد نماد و نمادپردازی تاکید کرده‌اند برای مثال دیسون (دیسون، 1990) بر اهمیت هنر و بازی در نمادپردازی تاکید می‌کند. وی معتقد است کودکان با استفاده از نمادها تجارب خود از دنیای اطراف را بیان می‌کنند.

همین‌طور در پژوهشی با عنوان «بازی به منزله چارچوبی برای بروز نمادهای اولیه» به نقش بازی و اهمیت روابط بازی و نمادپردازی توجه می‌شود. در این پژوهش سعی شده است بین جنبه‌های شخصی فرد، نظریه‌های شناختی، و بافت اجتماعی-فرهنگی پلی زده شود و ارتباطات این سه جنبه در نمادپردازی روشن گردد. پژوهشگر معتقد است که نماد شبکه اجتماعی از معنای است و معنای آن از بافت خاص خود و ارتباط آن با سایر زمینه‌ها به دست می‌آید (انکوینترا، 1994).

در پژوهشی دیگری اهمیت و نقش نماد در شناخت دنیای اطراف نمایانده شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که یادگیری تصویرسازی ذهنی اقدامی اساسی برای نمادپردازی در دوره اولیه کودکی محسوب می‌گردد (وایت، 1993). همچنین در پژوهشی نقش و اهمیت نماد در اصلاح و بهبود بخشیدن کیفیت دبیرستان جامع مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهشگر نشان می‌دهد که بین فرهنگ‌های سازمانی و نمادها و اثربخشی روابط مستحکمی وجود دارد و استفاده از نمادها و شناسایی آن‌ها منجر به بهبود و کیفیت دبیرستان جامع در شهر لندن می‌گردد (نیوتن، هوپل، 1994).

در تحقیقی، نمادها و نشانه‌های امنیت نزد نوجوانان بررسی شده است. گستره‌ی مشخصی از نمادها و نشانه‌ها در هر مقوله‌ی مرتبط با امنیت به دست آمده است. در میان مکان‌ها، خانه؛ در میان افراد، اعضای خانواده؛ در میان اوقات شبانه‌روز فضای روشن و نورانی؛ در میان رنگ‌ها، رنگ‌های روشن؛ در بین صداها صدای آرام و ملایم، و در میان اشکال هندسی، شکل دایره بیشترین احساس امنیت را نزد دانش‌آموزان فراهم می‌کرده است. در نهایت برای شناسایی نمادها و نشانه‌ها به صورت گسترده‌تر، پژوهش‌های مشابهی در دوره‌های سنی متفاوت از پژوهش حاضر پیشنهاد شده است (درانی، 1380).

گفتمان نرم، در دهه پایانی قرن بیستم رواج یافت و افق نوینی در فهم و تبیین مسائل راهبردی، به‌ویژه در مطالعات بین‌الملل گشود. مفهوم امنیت نرم از دل این گفتمان برخاسته و در معنا اشاره به امنیتی است که از بازیگران در برابر صدمات و خطرات به‌گونه‌ای ملایم و ناملموس حراست می‌کند.

در این راستا، پژوهشی با عنوان «بازتولید گفتمانی؛ راهبرد استقرار امنیت نرم در جامعه ایرانی» مدعی است که استقرار امنیت نرم در جامعه کنونی ایران به‌آسانی انجام نمی‌شود. بر این اساس به عملیاتی نمودن مفهوم امنیت نرم در جامعه ایرانی می‌پردازد و به دنبال راهبردی است که بتواند در چارچوب جمهوری اسلامی، جامعه و دولت را از تهدیدات یکدیگر به‌گونه‌ای نرم در امان بدارد. نویسنده، برای این منظور، معتقد است آن‌چه می‌تواند این مهم را ممکن کند و در حفظ جمهوری اسلامی در سطح امنیت داخلی، امنیت نرم را بر امنیت سخت و در واقع، نرم‌افزارگرایی را بر سخت‌افزارگرایی اولویت بخشد، بازتولید گفتمانی ایده جمهوری اسلامی در مواجهه با چالش‌ها و بحران‌های محیطی در عرصه‌های مجازی، گفتمانی و گستره‌ی عمل اجتماعی است (پورسعید، 1388).

امروزه ترس از جرم و عدم احساس امنیت اجتماعی، موضوعی است که بحث امنیت در شهرها را به چالش کشانده و بدین سبب مورد توجه محققین علوم اجتماعی و جرم‌شناسی قرار گرفته است. براساس مطالعات انجام شده در کشورهای غربی، زنان به مراتب بیشتر از مردان از جرم می‌ترسند و حال آن‌که کمتر از مردان قربانی جرائم مختلف واقع می‌شوند (صادقی فسایی و میرحسینی، 1387).

پژوهشی دیگر که هدف آن؛ بررسی رابطه‌ی میان جرم، خشونت و احساس امنیت در فضای شهری است، نمونه‌های پژوهش از ۱۴ فضای شهری که سرخوشه‌های نمونه‌گیری را شکل می‌دهند، به روش تصادفی جمع‌آوری شده‌اند. یافته‌های

پژوهش نشان می‌دهد که جرم بیش از خشونت می‌تواند مانع حضور مردم در فضای شهری و کاهش احساس امنیت گردد. همچنین احساس امنیت رابطه‌ی قوی با جرم و خشونت نشان نمی‌دهد (مدیری، 1385).

در تحقیق دیگری، محقق معتقد است که یکی از مهم‌ترین ملاک‌های اثربخشی و کارایی «پلیس جامعه‌محور» توانایی آن در کاهش احساس ناامنی شهروندان است. به لحاظ نظری نیز با توجه به اتخاذ رویکرد پایین به بالا و شکل‌دهی و ارتقای سرمایه اجتماعی و از طریق شناسایی و پیشگیری از وقوع جرم و توجه به دیدگاه‌های شهروندان، «پلیس جامعه‌محور» می‌تواند به افزایش رضامندی، احساس امنیت و در نهایت کیفیت زندگی آن‌ها کمک کند. از لحاظ تجربی نیز شواهد حاکی از آن است که پیاده‌سازی برنامه‌های «پلیس جامعه‌محور» و آگاهی شهروندان از این امر، فارغ از شیوه‌ی اجرای آن، در بیشتر موارد موجب کاهش احساس ناامنی شهروندان شده است، با این حال به دلیل پیچیدگی موضوع «ترس از جرم» و «احساس ناامنی» بعضاً نتایج متناقضی نیز حاصل گردیده است (همتی، بی‌تاریخ).

روش‌شناسی

این تحقیق با رویکرد مطالعات اسنادی از داده‌های چندگانه زیر استفاده می‌کند:

- 1- اطلاعات تاریخی راجع به موضوع در کتب تاریخی و ادبی؛
- 2- یافته‌های مطالعات موردی مربوط به نمادشناسی انتظامی؛
- 3- گزارش علمی و کارشناسی محققان و مجریان اجرایی در نهادهای متولی نظم و امنیت اجتماعی؛
- 4- آثار و نوشتجات خارجی و مرتبط با موضوع؛
- 5- گفتارها، تقریرات متعدد در دسترس.

یافته‌های پژوهش

الف؛ کارکردشناسی نمادها

بحث مهمی که در این تحقیق مد نظر است، کارائی و اثربخشی نمادها است. در جوامع پیچیده‌ی امروزی استفاده از نمادها به‌طور روزافزون افزایش می‌یابد و کارکرد آن‌ها بیش از گذشته با زندگی انسان‌ها پیوند خورده است. در اینجا مهم‌ترین کارکردهای نمادها به اختصار بیان می‌شود:

1- کارکرد آموزشی و اجتماعی شدن: نمادها معناها را منتقل می‌کنند. از طریق معناها می‌توانیم بسیاری از معانی زندگی جدید را به افراد نشان دهیم. برای مثال از طریق نشان دادن چراغ قرمز معنایی را به ذهن افراد متبادر می‌کنیم که چراغ قرمز به معنای علامت توقف و عبور از آن به معنای تخطی از هنجارهای قانونی و رسمی است. لذا خود نماد می‌تواند آموزشی باشد. ما از طریق آن می‌توانیم آموزش‌های زیادی را به فرزندان خود منتقل کنیم. مثال دیگر در این مورد این است که معمولاً در بیمارستان‌ها تصویری وجود دارد که در آن دختریچه‌ای دستش را به علامت سکوت جلو دهانش قرار داده است. این تصویری است برای انتقال این معنای نمادین که در بیمارستان می‌بایست سکوت رعایت شود. در اینجا دیگر نیازی به توضیح این امر نیست بلکه همین تصویر به‌ظاهر ساده، بار معنایی خاصی دارد مبنی بر این که در بیمارستان، بیماران نیاز به استراحت و آرامش دارند و لذا می‌بایست از سر و صدا کردن پرهیز کرد. از سوی دیگر نمادها هنجارهای خاص محیط را به فرد نشان می‌دهند. در فضای بیمارستان و در بسیاری از اماکن عمومی تصویری به شکل یک سیگار و دایره‌ای قرمز دور آن وجود دارد که به معنای سیگار نکشیدن است. آن چه موجب ظهور این در آن مکان خاص می‌شود، هنجارهای آن فضا است. اگر به‌طور متواتر با این نماد برخورد کنیم دانش حول و حوش آن برایمان ایجاد می‌شود. که در اینجا هنجار، سیگار نکشیدن است. لذا، متناسب با آن نمادی که در آن محیط است اجتماعی می‌شویم. بنابراین یکی از کارکردهای نمادها، کارکرد آموزشی و اجتماعی شدن افراد است.

2- کارکرد اقتصادی: در جامعه‌ی سنتی و حتی در جامعه‌ی مدرن بسیاری از فعالیت‌ها را انسان‌ها انجام می‌دادند. مثلاً در حوزه‌ی کنترل اجتماعی، اعمال نظم از طریق فردی که می‌بایست نظم را برقرار کند، انجام می‌شد. یعنی یک فرد همیشه مراقب بود. بالطبع این فرد هزینه‌ای داشت که برعهده‌ی حکومت بود. ولی امروزه به‌علت بالاتر رفتن سطح دانش و آگاهی نسبت به مفاهیم و نمادها، می‌توان به جای آن فرد، نماد یا تصویری را قرار داد که نمایاننده همان مراقب باشد. لذا هزینه‌ها پایین می‌آید مثلاً به‌جای فردی که در بیمارستان مدام بگوید سیگار نکشید، وجود نماد سیگار نکشیدن موجب همین کارکرد می‌شود. همچنین بسیاری از صنایع و شرکت‌های اقتصادی امروز، به‌نحو گسترده‌ای از نمادها استفاده می‌کنند و کالاهای خود را با نماد خاص شرکت یا کارخانه‌ی خود به همگان معرفی می‌نمایند. این شرکت‌ها از طریق تبلیغات سعی می‌کنند نمادهای محصولات خود را به‌طور مداوم در معرض دید مصرف‌کنندگان قرار دهند تا از این طریق سهم بیشتری از بازار رقابت اقتصادی را تصاحب کنند.

3- کارکرد انتظامی-کنترلی: همچنان که از بحث بالا مشخص است، در همان کارکرد اقتصادی به‌نوعی انتظام و کنترل نیز وجود دارد. امروزه کار بسیاری از نیروهای انتظامی یا نگهبانان اجتماعی را نمادها می‌توانند برعهده بگیرند. مثلاً اگر قرار بود علائم راهنمایی نباشند در هر چهار راه، چندین پلیس حضور می‌یافتند، اما به‌جای این نیرو، یک‌سری نمادها ارائه شده‌اند که به نحو بهتر و سریع‌تر، امر رفت و آمد وسایل نقلیه و انسان‌ها را صورت می‌دهند. لذا این نمادها به زندگی انسان‌ها نظم می‌بخشند بدون اینکه کنترل تند و شدیدی به کار ببرند. اگر چه نمادها نیز اعمال قدرت می‌کنند، اما قدرت آن‌ها ملایم، نرم و قانع‌کننده است. نماد یک شیوه‌ی کنترلی لطیف و نرم و بدون اعتراض است. با این بحث می‌توان گفت که از طریق نمادها نیاز به کنترل بیرونی و فیزیکی کمتر می‌شود.

4- کارکرد وفاق و همبستگی اجتماعی: نمادها وقتی در یک جامعه توسعه و گسترش پیدا می‌کنند، افرادی که با آن نمادها مرتبطند، با همدیگر اشتراک می‌یابند و درک مشترکی از نماد برایشان ایجاد می‌شود. نماد می‌تواند موجب وحدت بشود یعنی هر چه درک مشترک نسبت به یک نماد بیشتر باشد وحدت و همبستگی اجتماعی نیز بیشتر است. مثلاً نمادهایی مانند صلح، برابری و عدالت و غیره از این جهت که همه‌ی افراد درک مشترکی از آن‌ها دارند به‌طور ناخودآگاه موجب نزدیکی و همبستگی بین افراد می‌شوند.

5- کارکرد توسعه‌ای: نمادها، سرعت زندگی را بالا می‌برند، به این دلیل که کارکردهای مختلفی را برعهده گرفته‌اند. نمادها کارکرد آموزشی، کنترلی، انسجام‌بخش و غیره دارند. وقتی این کارکردها را داشته باشند، نهایتاً منجر به رشد و توسعه‌ی جامعه می‌شوند. از آنجا که دنیای ما آکنده از معنا است، ما جهت درک کلیه‌ی این معناها نیاز به تلاش و صرف وقت زیادی داریم، اما وجود نمادها موجب می‌شود که بسیاری از معناها در آن‌ها گنجانده شوند و این نمادها جهانی از معنا را به ذهن افراد منتقل کنند. پس یکی از کارکردهای اساسی نمادها و به‌ویژه نمادهای فرهنگی بالا بردن سرعت رشد و توسعه در جامعه است.

ب؛ برخی ابعاد و زمینه‌های نمادها در حوزه امنیت

• رنگ و شکل در نمادسازی انتظامی و امنیتی

نماد یا سمبول به شکل واقعیتهای عینی و نشانه‌ای ملموس نمایان می‌گردد و اندیشه‌های انتزاعی و حقایق پنهان را بر ما آشکار می‌سازد. اشیای اطراف ما، ابتدا از لحاظ شکل و اندازه احساس می‌شوند و سپس در حالی که پوششی از «رنگ» دارند؛ مورد توجه قرار می‌گیرند. در هر حال، رنگ، علامت مشخصه‌ی هر شیء است. نمادها، در قالب نشانه‌ها و رنگ‌ها، در زندگی ما بسیار دیده می‌شوند. تاریخ نمادگرایی انسان نشان داده که او به هر چیز خاصیت نمادین بخشیده است رنگ نیز از این قاعده و خاصیت دور نمانده و گاه از مهم‌ترین عناصر در نمادپردازی گردیده است. زمینه‌ی نمادین رنگ، به محیط جغرافیایی، فرهنگی، حالات و خصایص روحی هر انسان بستگی دارد. لذا هر رنگی در محیط خاص، ممکن است یادآور موضوعی باشد. امروزه، عمده‌ی نمادهایی که جهت نظم و انتظام به کار می‌روند به‌صورت تصویر و نوشته می‌باشند و رنگ، عنصری مهم در قدرت تاثیرگذاری این نمادها می‌باشد.

نمادها برای همه‌ی جوامع و افراد یکسان جلوه نمی‌کنند؛ با این همه، مفاهیم نمادین رنگ‌ها را به‌طور عام و کلی می‌توان این‌گونه برشمرد:

رنگ «سفید» نماد صلح و آزادی است، به همین جهت، رنگ پرچم صلح سفید است. رنگ «سیاه»، نماد شب، ظلمت، غم، وحشت، اضطراب و رنگ اندوه و مرگ است. سیاه، رنگی برای پوشیدگی و رازداری و جنایت و دزدی است. سیاه، رنگ ماتم و عزاست، و این‌ها نمایان‌گر تاثیرات منفی این رنگ است. رنگ «آبی»، نماد ایثار، صلح و آرامش است و بیشتر مورد علاقه‌ی اشخاص بالغ و متعادل و متواضع است. آبی، رنگ معنویت و ایمان، امید و پیروزی است. رنگ «سبز»، در مقام آرام‌ترین رنگ‌ها، نماد ایمان، عقیده به رستخیز و محشر است؛ زیرا سبز حیات دوباره است.

رنگ «زرد» رنگ ابدیت، جاودانگی و تقدس است. با این حال، در فرهنگ عامه و ادب فارسی و به‌طور کلی در فرهنگ جهانی، رنگ رشک، خیانت، یاس، بلا و ناامیدی است. گویند علت اصلی مفهوم منفی رنگ زرد در ایران - که نشان‌گر یاس و ناامیدی و بیماری است - بیماری‌ای به نام یرقان بود که به زردی شهرت داشت و موجب مرگ و میر فراوان شد (علی‌اکبرزاده، 1387: 70). رنگ «قرمز» فرمان‌دهنده است؛ به همین دلیل، در چراغ‌های راهنمایی برای نشان‌دادن حالت توقف، از این رنگ استفاده می‌شود. رنگ قرمز را نمادی از قدرت مردانه دانسته‌اند که حالات مردانگی (آنیموس) را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

امروزه در شهرها، توجه به مقوله‌ی رنگ و تاثیرات فضایی آن بر ساکنان شهری کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. براساس یک تفکر سیستمی سازمان‌یافته در صورت استفاده از این عامل در ساختار شهرهای امروز، از مقیاس خرد آن گرفته (دکوراسیون داخلی و نماهای بیرونی) تا مقیاس کلان، در حد شهرهای فعلی، می‌توانیم با برنامه‌ریزی اصولی و علمی در ایجاد تمرکز ذهنی و افزایش احساس امنیت و آرامش در قالب محیط، موثر عمل نماییم.

از سوی دیگر، شکل‌های هندسی رابطه مستقیمی با رنگ‌های متفاوت دارند. بدین ترتیب سه شکل اصلی: مربع، دایره و مثلث با سه رنگ اصلی: قرمز، آبی و زرد ارتباط دارند و بر اساس رابطه‌ی رنگ و فرم این سه شکل با سه رنگ اصلی، مفهوم بیان یکدیگر را تقویت می‌کنند ارزش یکدیگر را چه از نظر حسی و چه از نظر ذهنی، گویاتر می‌کند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت:

مربع = سکون، آرامش، وزن و سنگینی = با رنگ قرمز

مثلث = اندیشه، فکر، فروزندگی = با رنگ زرد

دایره = روح و روان، مبین ذات با حرکت ابدی = با رنگ آبی

براساس پژوهش‌های انجام‌شده در ایران¹، در بین نشانه‌ها و نمادهای تصویری، شکل‌های هندسی‌ای که بیشترین احساس امنیت را - به‌ویژه در نوجوانان و جوانان - ایجاد می‌کنند، به ترتیب عبارتند از:

دایره، مربع، مستطیل، مکعب، هیچکدام، مثلث، منشور، چندضلعی منتظم، شکل‌های غیرهندسی، هرم، بیضی، لوزی، و ذوزنقه. همچنین، نوجوانان و جوانان، امنیت را با موارد زیر نقاشی کرده‌اند:

رنگ‌های روشن، مناظر طبیعی، کانون گرم خانواده یا کانون دوستان، محیط آرام و خلوت، رنگ‌های تیره، محیطی با تمام امکانات، مدرسه، حصار، مسجد محل، محل راز و نیاز، و سازمان پلیس.

● نمادهای تصویری (تابلوهای اطلاع‌دهنده)

با تقویت فرهنگ کتابت بشر عنصر موثر ثالثی را در کنش‌های خود به نام خط و تصویر تجربه می‌کند. در سطوح کلان این عنصر سوم جای خود را در زندگی انسان‌ها باز می‌کند و در واقع نقش جانشینی انسان را بازی می‌کنند؛ یعنی به‌تدریج به جای کارکردهای انسانی می‌نشینند.

نمادها به شکل تصاویر و نوشته بر روی تابلوها، نقاشی و نگارش می‌شوند. در این قسمت نیز تاکید عمده بر همین نوع است. به این دلیل که به‌راحتی قابل به‌کارگیری‌اند. تصاویر نسبت به برخی نوشته‌ها و مفاهیم بیشتر قابل درک‌اند. یعنی انسان

¹. ر.ک: درانی، 1380.

از راه دید راحت‌تر می‌تواند ارتباط برقرار کند. مثلاً دستورالعمل‌های راهنمایی و رانندگی به‌صورت علائم و تصاویر بر روی تابلوهای کشیده شده‌اند که در کنار جاده‌ها، اطراف میادین و چهارراهها و ... نصب می‌باشند و اطلاعات مختلفی را در موقعیت‌های متفاوت به رانندگان وسایل نقلیه می‌دهند این انتقال اطلاعات، بدون وساطت و حضور پلیس انجام می‌گیرد. از آنجا که تصاویر عمدتاً محسوس، کمی و قابل فهم هستند، از این‌رو یکی از مواردی که در بحث راهکارهای نمادسازی می‌تواند مورد توجه واقع شود همین تاکید بر جنبه‌ی تصویری نمادها است.

بر این اساس، نمادها در حوزه‌های انتظامی و امنیتی دارای آثار و نتایج مطلوبی هستند که برخی از آن‌ها به قرار زیرند:
- نمادها می‌توانند وسیله انتقال پیام‌ها و توصیه‌های امنیتی و انتظامی باشند. به کمک آن‌ها می‌توانیم افکار و دغدغه‌های امنیتی خود را بیان کنیم و با دیگران به درک مشترک برسیم.

- نمادهای انتظامی افراد را قادر می‌سازند که از طریق نام‌گذاری و یادآوری تخلفات و ممنوعیت‌هایی که در جهان با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند، با جهان نظم و قانون برخورد کنند.
- نمادها را می‌توان به جای فرد (پلیس)، بازنمایی کرد. بر این امر سهولت آموزش، کاهش هزینه‌ها و سرعت عمل بیشتر مترتب است.

- نمادهای انتظامی، ارتباط و مشارکت انتظامی را تقویت می‌کنند. برای نمونه، علائم راهنمایی و رانندگی با ارتباط جمع مهمی از اقشار مختلف جامعه می‌شوند و افراد را مجبور می‌کنند خود را در سایه امنیت و انتظام، به اشتراک برسانند. علاوه بر تابلوهای راهنمایی و رانندگی، انواع تابلوهای اطلاع‌دهنده در مکان‌ها و شرایط مختلف وجود دارد که بیان‌گر اجرای مقررات و برقراری نظم بدون حضور فیزیکی مأموران قانون می‌باشند. تابلوها کارکردهای مختلفی دارند ولی همه‌ی آن‌ها بیانگر انتقال اطلاعات به افراد می‌باشند و ممکن است آگاهی‌دهنده یا اخباری و هشدار دهنده یا اخطاری باشند. تابلوهای اخباری دارای توصیه‌های عمومی بوده و به‌جز رنگ قرمز و شکل مثلث، در رنگ‌ها و اشکال دیگر، پیام مورد نظر را به صورت تصویر یا نوشته نشان می‌دهند. این تابلوها به‌طور معمول برای راهنمایی بیشتر به‌کار گرفته می‌شوند. تابلوهای هشدار دهنده معمولاً به‌صورت مثلث با نوارهای حاشیه قرمز رنگ می‌باشند که یک راس آن به طرف بالا بوده و در داخل آن نوع خطر را به‌وسیله‌ی علائمی خاص با رنگ مشکی نشان می‌دهند. تابلو «خطر سقوط در آب» در راهنمایی و رانندگی مثالی در این زمینه است.

تابلوهای ایمنی، چراغ‌ها و آژیرهای خطر از وسایل هشداردهنده¹ به حساب می‌آیند. این وسایل توانایی حذف خطر یا ایجاد حفاظت فیزیکی در محیط را ندارند، اما برای آگاه کردن فرد از خطر و ترغیب وی به انجام اقدامات حفاظتی به‌کار می‌روند (Lehto, 1995; 38). به همین دلیل، به‌عنوان راهکاری مهم برای پیشگیری از بروز حوادث و جراحات استفاده می‌شوند. کاربردهای اصلی تابلوهای ایمنی شامل کنترل خطراتی که از روش‌های دیگر موفق به حذف آن‌ها نشده‌ایم، آگاه کردن افراد از چگونگی دور شدن از خطرات یا پیشگیری از حادثه و یادآوری خطراتی را که افراد قبلاً از وجود آن آگاه بوده‌اند، می‌باشد. پژوهش‌هایی که با هدف مطالعه ارزیابی تاثیر کاربرد تابلوهای ایمنی بر اصلاح رفتارهای ناایمن انجام شده‌اند نشان داده‌اند که نقش تابلوهای ایمنی در کاهش رفتارهای ناایمن معنی‌دار است، اگر چه اثر آن در طول زمان کاهش می‌یابد (ارقامی، 1388).

● مکان‌شناسی نمادها در حوزه امنیت و انتظام

در کل یافته‌ها تصاویر روشنی از نماد و نمادپردازی مضمون امنیت را ارائه می‌کنند. در مورد مکان‌شناسی امنیت می‌توان گفت که مکان‌های که بیشترین امنیت را ایجاد می‌کنند به ترتیب زیر می‌باشند: خانه، مدرسه، مکان آموزشی، مسجد، هیئت، سینما و محیط تفریحی، مکانی که به ما آسیب نرسد، جایی که روابط عاطفی و وفاداری هست، جای تمیز و بی‌خطر، مکان

¹. Warning Sing .

عمومی، جای آرام و بی سروصدا، کانون گرم خانواده، و ... بر این اساس، خانه، مدرسه و مکان آموزشی، مسجد و هیئت و سینما و محیط تفریحی به منزله‌ی مکان‌هایی که بیشترین امنیت را دارند، نام برده شده‌اند.

در این بین، مجموعه‌های مسکونی از مکان‌هایی می‌باشند که برقراری امنیت محدوده آنها ضروری است. از جمله عوامل اصلی موثر بر شکل‌گیری مجموعه‌های مسکونی، چگونگی برقراری و احساس امنیت می‌باشد. محدوده‌ی مجموعه‌ها به شکلی «نمادین» در ایجاد شناسه و هویت موثر هستند. ایجاد امنیت در مجموعه‌های مسکونی تنها از طریق ایجاد موانع سخت میسر نمی‌شود. موانع فیزیکی آشکار همان قدر که در ایجاد امنیت نقش دارند، در القاء روانی ناامنی نیز موثر هستند. نهادهای محلی و مردم می‌توانند در ایجاد امنیت در مجموعه‌های مسکونی نقشی اساسی داشته باشند.

در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهند مکان‌های که مردم - به‌ویژه نوجوانان و جوانان - در آنجا احساس ناامنی می‌کنند عبارتند از: خیابان خلوت در تنهایی، مکان‌های تاریک، مخروبه، قبرستان، مکان‌های فاسدکننده‌ی اخلاق، کمیته، جایی که افراد ناآشنا باشند و یا از نظر اخلاقی متفاوت باشیم، در مکانی که بی‌ایمانی موج می‌زند، مکان‌های تفریحی، مهمانی، خانه‌ای پر از مشکلات اخلاقی، محیط‌های طبیعی مانند جنگل، جامعه، دور از خانواده، و جایی که حیوانات زیادی باشد. همچنین چیزهایی که امنیت را به خطر می‌اندازد، شامل موارد زیر می‌باشند: بلایای طبیعی و فقر، برخوردهای نامتعارف اجتماعی، ماهواره، تجاوز به اموال، دوستان بد، افراد فاسد و کثیف، صدای بلند و حرکات تند، افراد تندخو، اجرا نشدن قانون، جنگ، دعوا، درگیری، ترس، لو رفتن، مکان‌های تاریک و مخروبه، گناه، دور بودن از خدا، حیوانات. که لازم است جهت ایجاد امنیت در اماکن فوق‌الذکر، از نمادها استفاده کرد.

همچنین، صداهایی که امنیت را با آن احساس می‌کنند به ترتیب عبارتند از: صدای آرام‌بخش و ملایم، موسیقی، ترانه؛ به-خصوص موسیقی آرام‌بخش، صدای باران و رودخانه، صدای بستگان، صدای موسیقی تند، صدای پرندگان، صدای مهر و محبت، صدای کسی که به او اعتماد داریم، تلاوت قرآن و مناجات، صدای فرآورده‌های صنعتی چون اتومبیل، و سکوت.

بحث و نتیجه‌گیری، پیشنهادات

احساس امنیت از جمله اساسی‌ترین نیازهای بشری است و تأمین آن نخستین و در عین حال، عمده‌ترین وظیفه حکومت‌هاست. در جمهوری اسلامی ایران، نیروی انتظامی یکی از مهم‌ترین سازمان‌ها و تشکیلاتی است که مسئول برقراری نظم و امنیت است و تحقق امنیت در ابعاد گوناگون شخصی، عمومی و همچنین سطح ملی، ارتباط مستقیمی با حضور و عملکرد این نیرو در کشور دارد. بنابراین، هر چند که ابزارهای پیاده‌سازی امنیت با گذشت زمان دچار تغییر و تحول می‌شود، ولی احساس امنیت در هر جامعه را می‌توان به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم به‌عنوان بازخوردی از وضعیت عملکرد پلیس در جامعه دانست. بنابراین ارزیابی وضعیت امنیت در جامعه و تغییرات مکانیزم‌های برقراری آن در طی زمان، بیش از هر چیز موجب آگاهی مجریان نظم در جامعه از ابعادی می‌شود که نیاز به توجه بیشتری دارند.

این پژوهش که در واقع نوعی گردآوری و تحلیل مطالب متعدد در زیرمجموعه بحث نمادسازی انتظامی و امنیتی است، بر کارکردهای کنترلی و انتظامی نمادها به‌طور عام تأکید داشته است. همچنین برخی ابعاد و زمینه‌های خاص نمادهای انتظامی و امنیتی مورد ارزیابی و رمزگشایی قرار گرفته شدند. هدف کلی تحقیق حاضر مطالعه و ارزیابی مطالعه و ارزیابی نقش و کارکردهای نمادها در حوزه نظم و امنیت کشور بوده است.

آدمیان در موقعیت‌های گوناگون با امنیت درگیر هستند، برای مثال اطمینان از سلامتی و تندرستی، ایمنی غذا و از این قبیل. بنابراین امنیت در مرکز زندگی تک‌تک آدمیان قرار داشته و برای همه افراد و جوامع حائز اهمیت است. امنیت در هر حال، دل‌مشغولی افراد و جوامع است. نه تنها در وضعیت‌های جنگی و هرج و مرج، بلکه در وضعیت اجماع عام و انسجام تام اجتماعی نیز امنیت مورد توجه است و نمی‌توان یک جامعه کاملاً منسجم و یکپارچه به معنای بی‌نیازی از امنیت، تصور کرد.

از سوی دیگر جهانی‌شدن، ابزارهای جدیدی برای برقراری امنیت یا تهدید آن به‌وجود آورده است. افزایش شدید مبادلات فرهنگی و اجتماعی میان مردم جهان در قالب‌های مادی مثل مسافرت، سرمایه‌گذاری مشترک و به شکل مجازی، مثل

ارتباطات اینترنتی، علایق مردمان جوامع مختلف را به هم نزدیک کرده و آن‌ها را نسبت به وقایع و ارزش‌های جوامع دیگر آگاه‌تر نموده است. روندی که بر نگرش افراد از تهدید و امنیت تاثیر گذاشته و بستر جدیدی را برای بروز تهدیدهای تازه به همان صورت، راه‌حل‌های نو فراهم خواهد آورد. بی‌توجهی به این امر می‌تواند به مانعی در به‌روز رسانی نهادهای امنیتی و پلیسی تبدیل شود و آن‌ها را در تامین امنیت کم‌توان سازد (تصدیقی، 1389). نهادهای انتظامی نیز به تبع این تغییرات، ناگزیرند برای تامین امنیت و برقراری نظم در جامعه، تغییرات لازم را در سازمان، ساختارها، ابزارها و شیوه‌های برقراری نظم و امنیت به‌وجود آورند.

همچنین، آسیب‌های اجتماعی، نوعی بی‌سازمانی اجتماعی است که به شکل مستمر و فزاینده‌ای ارزش‌های محوری جامعه را مورد چالش قرار می‌دهد که در بستر اجتماعی متأثر از اختلال کارکردی در نظم اجتماعی و نابرابری در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که در عمق، مسائل اساسی نظیر تورم، بیکاری و فقر را تولید و در سطح، انحرافات را به-عنوان مساله امنیت عمومی بازتولید می‌کند.

آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان مساله امنیت عمومی باید بیشتر مورد تامل قرار گیرند. پلیس به‌عنوان محور اصلی مدیریت امنیت عمومی نیازمند مشارکت‌های عمومی، مدنی و سازمانی است؛ لذا در صورت فقدان این مشارکت سه‌گانه، پلیس در برخورد با آسیب‌ها و انحرافات فزاینده اجتماعی ناگزیر از انتخاب یکی از شیوه‌ی ایجابی نرم‌افزاری یا شیوه‌ی سلبی و سخت-افزاری است که انتخاب شیوه اول، پلیس را دچار بحران ناکارآمدی و انتخاب شیوه دوم، پلیس را با توجه به راهبرد جامعه-محوری آن، دچار بحران مشروعیت می‌کند.

اغلب رفتارهای نابهنجار در جامعه نتیجه‌ی فشارهایی است که بر افراد جامعه وارد می‌آید. به اعتقاد رابرت مرتن: فشار معینی از طریق ساختارهای جامعه بر برخی افراد جامعه اعمال می‌شود تا آن‌ها را به رفتار نابهنجار وا دارد (کوزر، 1373: 193).

با تحولات اخیر، مسئله این است که انسان در اجتماع چگونه، بر چه اساسی، تحت هدایت چه چیزی، امنیت خود را سامان می‌دهد. از منظر جامعه‌شناسی، جمع‌های انسان هنگامی که آگاهانه به دور هم جمع می‌شوند قسمتی از ابزار و منابع شخصی خود را در اختیار یک مرکزیت مشترک (عاملان امنیت: حکومت، دولت) قرار می‌دهند، تا بدین‌وسیله قدرت لازم را برای پیشبرد اهداف و علایق گروهی تحقق بخشند.

دولت، انحصار استفاده از زور مشروع را در اختیار دارد و این زور به دولت قدرت می‌دهد با استفاده از آن، به مهم‌ترین وظیفه خود که برقراری امنیت در جامعه است، عمل می‌کند. در عین حال، قدرت دولت صرفاً بر استفاده از زور مبتنی نیست و امنیت، صرفاً به جلوگیری از تهدید مسلحانه افراد علیه یکدیگر و یا سایرین علیه دولت و اتباع آن محدود نمی‌شود. بنابراین در عصر حاضر شیوه‌های غیرنظامی از الگوهای نظامی‌گری اهمیت بیشتر و کاربرد کم‌هزینه‌تری دارند.

بنابراین با توجه به مباحث فوق، نتیجه گرفته می‌شود که؛ ایجاد امنیت تنها از طریق ایجاد موانع سخت میسر نمی‌شود. موانع فیزیکی آشکار همان قدر که در ایجاد امنیت نقش دارند، در القاء روانی ناامنی نیز موثر هستند. در این راستا امروزه سعی می‌شود که که روش‌های کنترل فیزیکی و مستقیم به‌کار گرفته نشوند. ایجاد نظم و امنیت تنها از طریق حضور فیزیکی و سخت‌افزاری میسر نمی‌شود. بنابراین استفاده از نمادها در امر نظم و امنیت می‌تواند راهگشا باشد. زیرا علاوه بر صرفه‌جویی در هزینه‌های اقتصادی، بدون توسل به شیوه‌های کنترلی تند و شدید می‌توان نظم و امنیت را در سطح جامعه به‌نحو بهتر و سریع‌تر برقرار کرد. اگر چه نمادها نیز اعمال قدرت می‌کنند، اما قدرت آن‌ها ملایم، نرم و قانع‌کننده است. نماد یک شیوه‌ی کنترلی لطیف و نرم و بدون اعتراض است. با این بحث می‌توان گفت که از طریق نمادها نیاز به کنترل بیرونی و فیزیکی کمتر می‌شود. مثلاً اگر قرار بود علائم راهنمایی نباشند در هر چهار راه، چندین پلیس حضور می‌یافتند، اما به‌جای این نیرو، یک‌سری نمادها ارائه شده‌اند که به‌نحو بهتر و سریع‌تر، امر رفت و آمد وسایل نقلیه را و انسان‌ها را صورت می‌دهند. لذا این نمادها به زندگی انسان‌ها نظم می‌بخشند بدون اینکه کنترل تند و شدیدی به‌کار ببرند.

نمادها در جامعه مدرن واجد کارکردهای آموزشی، کنترلی-انتظامی، اجتماعی شدن، اقتصادی و غیره هستند. نمادها افراد جامعه را در درک معنا و رسیدن به هدف مشترک متحد می‌سازند، از این‌رو دارای کارکردهای وفاق و وحدت‌بخشی هستند. بنابراین، چنانچه گفته شد، یکی از حوزه‌هایی که نمادسازی در آن، بسیار اهمیت و راهگشا تلقی می‌شود، نظم و امنیت است. در شرایط امروزی، نمادها، بهترین و موجه‌ترین ابزارهای اعمال قدرت و کنترل بر خیابان، کوچه و محیط‌های جمعی هستند. بر این اساس، نمادها در حوزه‌های انتظامی و امنیتی دارای آثار و نتایج مطلوبی هستند که برخی از آن‌ها به قرار زیرند: - نمادها می‌توانند وسیله انتقال پیام‌ها و توصیه‌های امنیتی و انتظامی باشند. به کمک آن‌ها می‌توانیم افکار و دغدغه‌های امنیتی خود را بیان کنیم و با دیگران به درک مشترک برسیم.

- نمادهای انتظامی متعلق به جامعه هستند و افراد خود را در وجود آن‌ها شریک همدیگر احساس می‌کنند. بنابراین با وجود نمادها، احساس تعلق به نظم و امنیت درونی و محلی افزایش می‌یابد.

- نمادها را می‌توان به جای فرد (پلیس)، بازنمایی کرد. بر این امر سهولت آموزش، کاهش هزینه‌ها و سرعت عمل بیشتر مترتب است.

- نمادهای انتظامی، ارتباط و مشارکت انتظامی را تقویت می‌کنند. برای نمونه، علائم راهنمایی و رانندگی باعث ارتباط جمع مهمی از اقشار مختلف جامعه می‌شوند و افراد را مجبور می‌کنند خود را در سایه امنیت و انتظام، به اشتراک برسانند.

- نمادهای انتظامی افراد را قادر می‌سازند که از طریق نام‌گذاری و یادآوری تخلفات و ممنوعیت‌هایی که در جهان با آن‌ها روبرو می‌شوند، با جهان نظم و قانون برخورد کنند.

- نمادهای انتظامی توانایی و ظرفیت اعضای جامعه را برای درک نظم و امنیت اجتماعی بهبود می‌بخشند. این‌گونه نمادها، از سویی توانایی اندیشیدن به این مقوله را افزایش می‌دهند، و از سوی دیگر، ظرفیت پیشگیری از وقوع تخلفات مدنی و حل مسائل امنیتی را بالا می‌برند.

- نمادها سهل‌الوصول و به سرعت قابل ترویج هستند. کاربرد آن‌ها ضمن صرفه‌های فرهنگی، از صرفه‌های اقتصادی نیز برخوردار است.

نظیر کارکردهای فوق، می‌توان به نقش‌ها و اثرات مثبت دیگری برای نمادها اشاره کرد. آن‌چه در این‌جا برای ما بااهمیت است، توجیه‌کارایی و اثربخشی نمادها در حوزه نظم و امنیت اجتماعی و ضرورت استفاده بیشتر از آن‌هاست.

لازم به یادآوری می‌باشد که، ایجاد امنیت تنها کار پلیس یا نیروی انتظامی یا نیروی اطلاعاتی و امثال آن‌ها نیست؛ تمام دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغی از آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها گرفته تا رسانه‌های گروهی، همه و همه باید دست به دست هم بدهند تا نظم، انضباط و احترام به قانون به یک ارزش تبدیل شود، به طوری که اگر یک فرد از اعضای خانواده کار خلافی انجام داد، نتواند آن‌را برای خانواده‌ی خود نقل کند؛ هنوز متاسفانه در فرهنگ جامعه، بسیاری از کارهای خلاف، نوعی زرنگی تلقی می‌شود! نهادهای محلی و مردم می‌توانند در ایجاد امنیت نقشی اساسی داشته باشند، این امر مستلزم یک تحول فرهنگی عمیق است.

در خاتمه پیشنهاد می‌شود؛ به سبب اهمیت و کارکرد نمادها در آموزش نظم و امنیت اجتماعی، ضرورت دارد که در راستای شناسایی گسترده‌تر کنترل‌های اجتماعی غیررسمی، و برای شناسایی نمادهای انتظامی موجود و نیز شکل دادن به نمادهای جدیدی که دارای بعد مثبت و سازنده هستند، مطالعات مشابهی صورت گیرد. با چنین کاری، می‌توان امید داشت که سرعت و شتاب فرهنگ نظم و امنیت، فزونی یافته و فرایند آن به‌نحو متعادل‌تری طی شود.

منابع فارسی

- [1] ارقامی، شیرازه (1388)، «ارزیابی تاثیر کاربرد تابلوهای ایمنی بر اصلاح رفتارهای نایمن» مجله‌ی علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی زنجان، دوره 17، شماره 68، صص 93 - 98.
- [2] اس. نای، جوزف (1387)، «قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاسی بین‌الملل»، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، چاپ دوم، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- [3] بل، دانیل (1372)، «جامعه‌فراصنعتی در راه» ترجمه‌ی سپیده گوران، در نشریه‌ی جامعه‌ی سالم، شماره 12.
- [4] یوزان، باری (1378)، «مردم، دولت‌ها و هراس»، ترجمه ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- [5] پورسعید، فرزاد (1388)، بازتولید گفتمانی، راهبرد استقرار امنیت نرم در جامعه ایرانی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره سوم، شماره مسلسل 45، صص 135-163.
- [6] تصدیقی، محمدعلی و تصدیقی، فروغ (1389)، بررسی مولفه‌های امنیت سیاسی و اجتماعی در افق چشم‌انداز 1404 جمهوری اسلامی ایران (با تاکید بر امنیت درونی)، فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره پنجم، صص 135-170.
- [7] تافلر، الوین (1376)، موج سوم، ترجمه‌ی شهین‌دخت خوارزمی، چاپ سوم، تهران: نشر سیمرغ.
- [8] توسلی، غلامعباس (1383)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
- [9] درانی، کمال (1380)، «بررسی نمادها و نشانه‌های امنیت در ساختار خیالی و نمادگرایی نوجوانان شهر تهران»، مجله‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال سی و یکم، شماره 2، صص 9 - 34.
- [10] رابرتسون، یان (1371)، درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد، نشر آستان قدس رضوی.
- [11] زیمل، گئورگ (1375)، کلان‌شهر و حیات ذهنی، ترجمه‌ی یوسفعلی ابادری، نامه‌ی علوم اجتماعی، جلد دوم، شماره 3، صص 53-66.
- [12] شاف، آدام (1375)، جهان به کجا می‌رود، ترجمه‌ی سپیده گوران، نشریه جامعه سالم، شماره 12.
- [13] صادقی فسایی، سهیلا و میرحسینی، زهرا (1387)، «تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم در میان زنان شهر تهران»، نامه علوم اجتماعی، صص 125-152.
- [14] علی‌اکبرزاده، مهدی (1387)، رنگ و تربیت، چاپ دوم، تهران: انتشارات میشا.
- [15] کوزر، لوییس (1373)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- [16] گاردنر، هاوارد و دیوید پرکینز (1377)، پژوهشی فلسفی، روانشناختی و آموزشی درباره‌ی نظام‌های نمادی در رسانه‌ها و نمادها: صورت‌های بیان و ارتباط و آموزش، ترجمه محبوبه مهاجر، انتشارات سروش.
- [17] گارودی، روزبه (بی‌تاریخ)، مسجد آیینی نمادین اسلام، مصاحبه با هفته‌نامه فون ژیک.
- [18] گیرو، پر (1380)، «نشانه‌شناسی»، ترجمه‌ی محمد نبوی، تهران: انتشارات آگه.
- [19] مدیری، آتوسا (1385)، «جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری» فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، صص 11-28.
- [20] معین، محمد (1371)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- [21] همتی، رضا (بی‌تاریخ)، «پلیس جامعه‌محور و نقش آن در کاهش احساس ناامنی»، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره سوم، صص 141-147.
- [22] هوهنه‌گر، آلفرد (1366)، نمادها و نشانه‌ها، ترجمه‌ی علی صلح‌جو، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- [23] یونگ، کارل گوستاو (1356)، «انسان و سمبل‌هایش» ترجمه‌ی ابوطالب صرمی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

English Resources:

- [1] Dyson, A.H. (1990). "Symbol Makers, Symbol Weavers: How Children Link Play, Pictures & Print". Young Children Vol.45, No.2, PP . 50-57.
- [2] Encuentra, Hernandez (1994). Play as a frame of Emergency of first Symbols. Spain: Universitat Autonomia de Barcelona.
- [3] Jong (1944). L, Homme Ala Decouverte de Son Ame Geneve.

- [4] Klucihohn , Flornce R & Strodbeck, F.L. (1961) Variations in Value Orientation. Evanston III Row/Peterson & Company.
- [5] Lehto MR, Salvendy G. Warnings (1995): A supplement not a substitute for other approaches to safety. Ergonomics; 38.
- [6] Newton, Stuart; Hoyle, Eric(1994). Culture & Survival: The Role of Symbol in Improving the Quality of a Comprehensive School. School Organization. Vol.14, No.2, PP. 309-319.
- [7] Simon, R.M (1997). Symbolic Images in Art as Therapy. London and New York: Routledge.

Archive of SID